

عنوان مقاله:

مولفه های هستی شناسانه هایدگر در شعر فروغ فرخزاد

محل انتشار:

پژوهشنامه اورمزد، دوره 12، شماره 50 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسنده:

فرید کریمی حاجی خادمی - دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی و دبیر ادبیات منطقه سندرک

خلاصه مقاله:

هایدگر فیلسوف آلمانی یکی از برجسته ترین بنیانگذاران پارادایم های فلسفی قرن بیستم است. اوفیلسوفی اگزیستانسیالیست است که با تاسیس هستی شناسی بنیادی، پرسش از حقیقت وجود راطرح می کند. هایدگر به طور خاص در اثر کلاسیک «هستی و زمان» با طرح مفاهیم هستیشناسانه ای چون توجه خاص به انسان به عنوان دازاین برای فهم معنای وجود، انسان اصیل و نااصیل، تاکید بر مسئولیت انسان در مقابل هستی اش، مواجهه انتقادی با روزمرگی و عادت، مرگاندیشی و توجه دادن انسان به تنهایی، امکان های گوناگون انسان برای انتخاب، در واقع طرحی تازه برای زندگی اصی و انسان اصی فکند. طرحی که نشان دهنده اهتمام تام او به زندگی و تلاش برای جستجوی معنای اصی آن است. در میان شاعران معاصر، فروغ فرخزاد یکی از شاعرانی است که دغدغه های وجودی و هستی شناسیک به صورت تام برانگیزی در اشعارش بازتاب یافته است. با این ملاحظه، پژوهش حاضر برآن است که با روش توصیفی تحلیلی بار مبنای مطالعات -کتابخانه ای، در پرتو مولفه های هستی شناسانه فلسفه هایدگر، به تحلی اشعار فروغ پردازد و تلقی فروغ از معنای زندگی را از جهت هستی شناختی در دوره های مختلف شعری اش مورد نقد و بررسی قرار دهد.

کلمات کلیدی:

فروغ، هایدگر، شعر معاصر، هستی شناسی، فلسفه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1242644>

